

چگونگی توسل به دفاع مشروع در مقابل اعمال تروریستی

مهدی پور رمضان^۱، مسعود راعی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل مهدی پور رمضان

^۲ استاد راهنما

نویسنده مسئول:

مهدی پور رمضان

چکیده

مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل همانند دفاع مشروع در حقوق داخلی بوده که در نبود فرصت برای توسل به قانون، به قربانی تجاوز این حق را می دهد تا به فوریت با توسل به زور به دفاع از خود و سرکوب متجاوز بپردازد. در حقوق داخلی دفاع مشروع استثنایی بر قاعده است. ولیکن در حقوق بین الملل به دلیل فقدان یک قدرت فراملی و یک نیروی اجرایی ما فوق دولتی، دفاع مشروع یک قاعده است که خود استثنایی بر قاعده منع توسل به زور و تحریم جنگ باشد. ولیکن موضوع مهم چگونگی توسل به دفاع مشروع برای دولت قربانی است و به واقع شرایط لازم برای استناد به این حق بین المللی از ملزومات میباشند.

کلمات کلیدی: دفاع مشروع، اعمال تروریستی، توسل به زور، حقوق بین الملل، قصد ارباب

مقدمه :

یقیناً زمانیکه بحث از دفاع به مشروع به عنوان یک حق برای دولتها سخن به زمان می آید، تعیین این حق از منظر منشور سازمان ملل به عنوان مهمترین سند بین المللی و حقوق بین الملل عمومی می باشد. اما آنچه در این مقاله به دنبال آن باشیم شرایط استناد به دفاع مشروع در قبال اعمال تروریستی است. مطابق با بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل ((کلیه اعضا در روابط بین الملل خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری و یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متعهد مبادت داشته باشد خود داری خواهند نمود)). اما دو اصل یا استناد بر منع این قاعده به مانند یک قاعده آمره در مواد ۴۲ و ۵۱ منشور ملل متعهد مورد شناسایی قرار گرفت. به عبارتی واضح تر سیستم امنیت دسته جمعی (collective security system) و دفاع مشروع (self-Defense) به عنوان دو استثناء مهم بر قاعده بین المللی منع توسل به زور قرار گرفت که دولتها را در استناد به حق دفاع مشروع به دنبال اعمال تروریستی یا وقوع حمله مسلحانه محق می دانست و دست دولتها را در انجام اقدامات متقابل در جهت حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و نیز برگرداندن آرامش به حریم داخلی باز گذاشت.

تعریف تروریسم :

اصولاً تا به کنون علیرغم تکرار حوادث و اقدامات تروریستی ولیکن جامعه جهانی به تعریف واحد و جامعی از ترور و تروریسم نرسیده است. دانشنامه بریتانیا در تعریف واژه تروریسم اینگونه تعریف می نماید: ((کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر، برضد حکومتها، انسانها و افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی))

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰ تعریف جامع تری از تروریسم ارائه داده است:

((تحدید یا توسل غیر قانونی به زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مرعوب ساختن حکومت ها و یا انسانها اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی مذهبی و یا ایدئولوژیک)) (walter laquevr.1999)

شریب بسیونی تروریسم را اینگونه تعریف می نماید:

((تروریسم عبارت است از رفتار اجبار آفرین فردی یا جمعی با بکارگیری استراتژی های خشونت، آمیخته با ارباب که در برگیرنده یک عنصر بین المللی یا هدف گیری شده ضد یک آماج تحت حمایت بین المللی است و هدف آن عبارت است از رسیدن به نتیجه ای قدرت طلبانه)) (m.Bassion. 1975)

علیرغم تعاریف گوناگون و دسته بندی های متفاوتی که از انواع تروریسم صورت گرفته کماکان در اهداف اصلی که گروه ها یا سازمان های تروریستی به دنبال آن می باشند توافق نظر وجود ندارند. حتی درسیستم بندی انواع تروریسم نیز ایده های مختلفی وجود دارد. از انواع این سیستم بندی ها می توان به تروریسم جنایی، تروریسم مذهبی، تروریسم ایدئولوژیک تروریسم ملت گرا، تروریسم دولتی و تروریسم انقلابی نام برد. بررسی این انواع دسته بندی ها یک چیز مشترک را نمایان می کند. و آن اولویت داشتن اهداف سیاسی و دست یابی به قدرت یا حاکمیت است.

لازم به ذکر است در میان این دسته بندی ها، تروریسم مذهبی شاید شایع ترین و یا مهمترین نوع تروریسم خصوصاً در حال حاضر باشد. هر چند که بر اساس ظواهر ایدئولوژی این نوع تروریسم با هدف مذهبی گره خورده است و می بایست به دنبال اهداف صرفاً مذهبی باشد اما با بررسی اجمالی اقسام مختلف تروریسم براحتی می توان پی برد که هدف نهایی آنها به نوعی تحقق اهداف سیاسی و حاکمیتی گروه یا سازمان تروریستی است. به سخن دیگر همه این گروه ها یا سازمان ها به دنبال دستیابی به قدرت و حاکمیت می باشند و همه اهداف دیگر به نوعی مشروعیت بخشیدن به فعالیتهای آنهاست تا اعضا را با خود همراه و هم جهت در راستای تحقق اهداف نمایند.

تروریسم و حقوق بین الملل :

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را می توان نقطه شروع و جدی مبارزه بین المللی با پدیده شوم تروریسم دانست. تا قبل از سال ۲۰۰۱ شاید به طور غیر مستمر و گسسته به این موضوع به شکل پراکنده پرداخته شد. هر چند که حتی تا این زمان تعریف مناسبی از تروریسم بیان نشده بود، اما وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ سبب گردید که جامعه بین الملل و در راس آنها سازمان ملل توجه جدی تری نسبت به آن نماید.

صدور قطعنامه ۱۳۶۸ نوعی نگرشی تازه از جامعه بین الملل نسبت به تروریسم بود. مقدمه قطعنامه ۱۳۶۸ صراحتاً به حق ذاتی دفاع مشروع فردی و دسته جمعی اشاره می نماید، اشاره به این حق در مقدمه چنین قطعنامه ای اگرچه در قسمت اجرایی آن نیامده، تنها با این تغییر سازگار خواهد بود که شورای امنیت حملات تروریستی را در حکم (حملات مسلحانه) در نظر گرفته و توسل کشور قربانی به دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور را بلامانع دانسته است که این موضوع تا آن زمان در حقوق بین الملل سابقه نداشته است.

اما آنچه در این میان اهمیت دارد جایگاه و نحوه نگرش تروریست ها در سطوح بین المللی می باشد. تروریست ها امروز همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده اند اما به قید و بند های بین المللی ناشی از آن گرفتار نشده اند. آنجا که تروریست ها به بازیگران بین المللی تبدیل شده اند هیچ منطقه، دولت، ملت یا شخصی از اقدامات آنها در امان نمی باشند. آنها از خارج آموزش می بینند دستور و سلاح میگرد و پس از ارتکاب عمل مجرمانه خود به خارج پناه می برند.

در حقوق بین الملل از سال ۱۹۴۷ برای اولین بار به این موضوع پرداخته شد جایی که اولین تعریف مربوطه به جلوگیری و مبارزه با تروریسم دیده می شود. هر چند که هرگز به تصویب دولت ها نرسید. در این تعریف صرفاً به اقدامات غیر قانونی علیه یک دولت توجه شده است ((اقدامات جنایی علیه یک دولت با هدف ایجاد رعب و وحشت در شخصیت های خاص گروهی از اشخاص و یا مردم)).

در اسناد مصوب سازمان ملل (مجمع عمومی) شاهد تعریف دیگری از تروریسم می باشیم. برای مثال در ماده ۵ کنوانسیون بین الملل مقابله با بمب گذاری تروریستی مصوب ۱۹۹۸ فعالیت های تروریستی را اقدامات جنایی که قصد آنها ایجاد وحشت در عموم مردم یا گروه خاصی می داند و اعلام می نماید که این دسته اعمال تحت هیچ شرایطی حتی ملاحظات سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی، فلسفی وایدئولوژیک و یا موارد مشابه آن قابل توجیه نیست.

در نهم دسامبر سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متعهد جامع ترین سند خود در مورد مبارزه با تروریسم بین المللی را با کنسانسوس به تصویب رساند. براساس این قطعنامه (اعلامیه ۴۹/۶۰ راجع به امحای تروریسم بین المللی) تروریسم به اعمال مجرمانه ای اطلاق میشود که هدف یا انگیزه آن ایجاد رعب و وحشت میان عامه مردم، گروهی از آنها و یا افرادی خاص به منظورهای سیاسی باشد.

در همین راستا شورای امنیت نیز در قطعنامه ۱۵۶۶ (اکتبر سال ۲۰۰۴) با اتخاذ تعریفی عام از تروریسم بین المللی (ایجاد رعب و وحشت) با فاکتور های مورد نظر کنوانسیون ۱۹۹۹ راجع به تامین مالی تروریسم بین المللی (ارباب جمعیت، اجبار دولت یا سازمان بین المللی) مبادرت ورزید. علی ایحال و علیرغم تلاشهای صورت گرفته در این زمینه تعریفی جامع و عامل در مقوله تروریسم ارائه نشده است.

با تعاریف متفاوتی که از تروریسم ارائه داده شده است می توان تعریف زیر را ترسیم کرد :

تروریسم به معنای اعمال خشونت غیر مشروع با انگیزه سیاسی همراه با یک طرح یا برنامه قبلی به قصد ایجاد رعب و وحشت برای کسب امتیاز خاص یا جلب توجه افکار عمومی به خواسته های مشخصی می باشد.

درج خشونت غیر مشروع از لحاظ تعریف می تواند بسیاری حائز اهمیت باشد. آنچه که انجام اقدامات تروریستی را از مبارزات آزادی بخش ملت‌های تحت ظلم و ستم که برای آزادی خود از سلطه یک قدرت خارجی به اقدامات خشونت آمیز ولی مشروع مبادرت می ورزند، لازم است وصف غیر مشروع به خشونت که شاخص بارز تروریسم است اضافه شود.

امانکته دیگر حائز اهمیت در این تعریف داشتن یک طرح و برنامه است. چرا که باید بدانیم انجام اقدام تروریستی توسط یک گروه بدون داشتن طرح و برنامه و هدف حتی اگر موجب رعب و وحشت گردد عمل تروریستی محسوب نمی شود و همینطور داشتن انگیزه سیاسی از دیگر نشانه های اقدامات تروریستی است. همانطور که در سطور بالا متذکر شدیم در همه اقسام اقدامات تروریسم که با هر هدفی صورت گرفته باشد انگیزه سیاسی به شکلی در آن مستتر بوده و غایت هدف برآستی دست یازیدن به قدرت و حاکمیت است.

و از دیگر شرایط خاص تروریست ها قصد ارباب است. اصولا تروریسم روش مبارزه خشونت آمیزی است که قربانیان آن بصورت فردی مشخص نیستند (لازم بذکر است که این قاعده را به شکل عام نمی توان پذیرفت چرا که برای نمونه عملیتهای تروریستی گروه منافقین در سالهای ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۹ بصورت فردی و با هدف قرار دادن سران نظام جمهوری اسلامی ایران صورت می گرفت).

بلکه گروهی از مردم به عنوان هدف سمبلیک یا بطور اتفاقی انتخاب می شوند. قصد عاملان تروریسم از بین بردن این گروه از اشخاص نیست بلکه هدف ایجاد رعب و وحشت برای رسیدن به خواسته های از پیش تعیین شده گروه یا سازمان است.

چیستی و ماهیت دفاع مشروع :

وقوع جنگ جهانی اول و دوم. جامعه جهانی را بر آن داشت که به منظور حفظ و صلح و امنیت بین المللی سازمانی به نام سازمان ملل متعهد (un) تاسیس نماید تا ضمن پیش بینی ابزار های لازم به منظور حفظ نظم و صلح جهانی مجمعی را فراهم نماید که دول عضو اختلافات خود به دور از هرگونه درگیری و توسل به زور و به روشی کاملا مسالمت آمیز حل و فصل نمایند. ایجاد قاعده منع توسل به زور از جمله مهمترین قواعد موجود در منشور ملل در جهت تحقق به این هدف است (بند ۴ ماده ۲) که در جهت تضمین آن و جلوگیری از جنگ و تجاوز مواد ۴۲ و ۵۱ مجاز به رسمیت شناخته شد لیکن برای استناد به این حق که در ماده ۵۱ منشور به عنوان دفاع مشروع (self - Defence) نام برده شده است و توسل به زور که در قبال وقوع تجاوز. حمله مسلحانه یا اقدامات تروریستی صورت میگیرد مشمول شرایطی مطابق با تعریف تجاوز مورخ ۱۹۷۴ جمع می باشد.

۱- ضرورت واکنش قهر آمیز باید فوری، عظیم، بدون هیچ راه درگیر و بدون فرصتی برای مذاکره باشد.

۲- استفاده از زور منحصر باید به منظور دفع حمله نظامی کشور متجاوز صورت گیرد.

۳- زور اعمال شده باید متناسب با دفع تجاوز باشد.

۴- استفاده از زور باید به محض این که تجاوز دفع شده یا شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل آورده خاتمه یابد.

۵- کشورهایی که مبادرت به دفاع مشروع می کنند با اصل بنیادین حقوق بشر دوستانه (Humanitarian Law) را رعایت نمایند.

شرح توضیحات داده شده در خصوص شرایط اعمال دفاع مشروع نقشه راه را بسیار مشخص می نماید که اصولا دولتها در زمان مواجه شدن با اقدامات تروریستی از چه مکانیزم جهانی به منظور مقابله با آن چگونه و تا چه حدی می بایست استفاده نمایند.

شورای امنیت در بند دوم از قطعنامه ۱۳۶۸ (حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) به صراحت اقدامات تروریستی و تروریسم را تحدید علیه صلح و امنیت بین المللی دانسته و پیش از این در موضوع لاکربی طی صدور مصوب ژانویه ۱۹۹۱ و قطعنامه ۱۲۶۹ مصوب اکتبر ۱۹۹۹ ب این موضوع اشاره نموده بود با صدور قطعنامه ۱۳۶۸ مهر تاییدی بر قطعنامه های پیشین خود زد.

شورای امنیت در بند دوم از قطعنامه ۷۳۱ چنین تصدیق می نماید ((با تصدیق حق تمامی کشورها مطابق با منشور ملل متحد و اصول مرتبط با حقوق بین الملل مبنی بر حمایت از اتباعشان در برابر اعمال تروریستی بین المللی که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی بوجود آمده است...))

با چنین عبارتی شورای امنیت مسیر خود را برای ورود به چنین موضوعی هموار می نماید. چرا که وظیفه ذاتی این شورا مطابق با ماده ۲۵ منشور، مسوولیت اولیه صلح و امنیت بین المللی می باشد و همینطور براساس ماده ۳۹ منشور شورای امنیت دارای صلاحیت انحصاری در احراز تحدید یا نقض صلح و امنیت بین المللی است. با احراز تحدید علیه صلح و امنیت بین الملل شورای امنیت برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی حسب اوضاع و احوال اقدام به توصیه و یا حتی به موجب مواد ۴۱ و ۴۲ منشور اقدامات قهری خواهد کرد.

ذکر این نکته ضروری است که در گزارش ۱۳ کمیسیون حقوق بین المللی در سال ۱۹۹۵ در بند ۲ ماده ۲۴، تروریسم بین المللی اینگونه تعریف شده است: اعمال زیر تروریسم بین المللی خواهند بود تصدی سازمان دهی، فرمان دادن، تسهیل کردن، تامین مالی، تشویق یا اداره کردن اعمال خشونت آمیز علیه دولتی دیگر که متوجه اشخاص یا اموال باشد و از چنین طبیعتی برخوردار باشد که وضعیت ترور (ترس یا وحشت) در افکار، تشکلهای یا گروههای اشخاص یا افکار عمومی ایجاد کند تادولت مذکور را به اعطای منافع با عمل کردن به روش خاص وا دارد.

در سطح بین المللی منشور ملل (در نظام های کنونی کشور های دنیا اغلب محدوده و شرایط دفاع مشروع از بسیاری جهات به همدیگر شبیه است و اختلافات عمده در توجیه مبانی دفاع مشروع است) متحد حق ذاتی دفاع مشروع را به طور فردی و دسته جمعی درقبال تهاجمی نظامی بر طبق ماده ۵۱ به رسمیت شناخته است. دفاع مشروع در قلمرو مسوولیت بین المللی سبب می گردد توسل به زور جنگ و اقدام مسلحانه که در فهرست جنایات بین المللی است جرم قلمداد نشود البته از نظر دکترین بین المللی نیز دفاع مشروع در حقوق بین الملل نیز همانند حقوق داخلی محدود به موارد ضرورت و فورس ماژور می باشد.

به عبارتی در زمانهایی که خطرواقع شده آنی نباشد، امکان توسل به راههای مسالمت آمیز از جمله مراجعه به مراجع بین المللی وجود داشته باشد اصول حقوق بین المللی توسل به اصل (دفاع مشروع) را تجویز نمی نماید. پذیرش مفهوم تروریسم بین المللی محدود دفاع مشروع در قبال این پدیده را مطرح ساخته است زیرا به بهانه ارتکاب عملیات تروریستی (نظیر حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا) توسل به گزینه دفاع مشروع وانجام عملیات جنگی با نادیده گرفتن مرزهای جغرافیایی همانند آنچه در افغانستان انجام می گرفت و می گیرد، توجیه بین المللی ندارد. خصوصاً اشکال این گونه اقدامات در قلمرو حقوق بین الملل وقتی بیشتر می شود که به جای طرح مساله در سازمان ملل متحد و رایزنی در شورای امنیت، دولتمردان امریکا بدوا و راسا سکندار عملیات جنگی شده و به دلخواه خود معیار و ملاک مبارزه با تروریسم را تعیین می نمایند و حتی این افراطی گری را تا جایی می رسانند که دنیا را به دو قسمت تقسیم می کند یا حامی ایالات متحده یا حامی تروریسم.

و بدترین زمان این عملیات در جایی رخ می دهد که به بهانه دفاع مشروع و مبارزه تروریسم در انجام عملیات جنگی، زنان، کودکان و غیر نظامیان مظلوم نیز مورد هدف قرار می گیرند و با یکه تازی این دولتمردان سبب می شود که مهمترین اصول حقوق بین المللی یعنی انجام اقدامات نظامی تحت رهبری سازمان ملل متحد نقض می شود. در نهایت این رویداد ها این اندیشه قوت می گیرد که قواعد حقوق بین المللی فاقد ضمانت اجرای لازم همچون قواعد داخلی می باشد و وقتی هرگونه عملکرد سازمان ملل در حیطه اختیار و زمانداری دولت مردان بزرگ همچون امریکا باشد نمی توان به عملکرد آن در حفظ نظم بین المللی و اصول حقوق بین الملل امیدوار بود.

آنچه قطعی می باشد در بحث دفاع مشروع این است که اگر دفاع صورت گرفته در مقابل تجاوز رخ داده شده از حد مقرر و معین تجاوز نماید به عبارتی از حد و مرز اصل تناسب گذر کند به گونه ای این تناسب بین دفاع و تجاوز نباشد و از آن فراتر رود خود آن دفاع نامشروع محسوب شده و مشروع و قانونی قلمداد نمی گردد که از آن تحت نظریه تجاوز از دفاع مشروع تعبیر می شود. بنابراین چنانچه عملیات دفاعی از نظر کمیت و کیفیت بیش از دفاع باشد در این صورت مصداق تجاوز از دفاع مشروع است.

در دفاع مشروع به لحاظ حقوقی عناصری باید موجود باشد که یکی از آن عناصر این است که دفاع مورد نظر باید به جهت دفع باشد، لذا به محض دفع تجاوز دیگر دفاع نیست بلکه کیفر و مجازات است. بنابراین ممکن است شخص مهاجم پس از اتمام تجاوز دستگیر و کیفر شود اما این کیفر مجازات است و دیگر دفاع محسوب نمی شود. همچنین دفاع مذکور در تطابق با اصل تناسب می بایست با تجاوز مورد نظر متناسب باشد. در دفاع مشروع میان تجاوز و دفاع باید تناسب وجود داشته باشد.

پروتکل شماره یک ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ دارای ماده بسیار با اهمیتی است و آن ماده ۵۷ است که در آن رعایت اصل احتیاط در اتخاذ تصمیم برای حمله مورد تأیید قرار گرفته است. در این ماده ذکر شده که اگر شکی وجود داشته باشد که یک حمله ممکن است اثرات سوئی برای غیر نظامیان به دنبال داشته باشد و اصل تناسب رعایت نشود، باید از دستور حمله خود داری شود. جالب اینکه یکی از دلایل امتناع آمریکا از عضویت در این پروتکل وجود همین ماده ۵۷ می باشد.

بدیهی است توسل به اعمال خشونت آمیز و نامتمايز (عدم تفکیک و تمایز بین اهداف و افراد نظامی و غیر نظامی) که باعث ایجاد رعب و وحشت شود، خواه توسط دولت ها یا ارگان ها و یا نهاد های وابسته به آن و خواه از سوی گروهها و سازمان های غیر دولتی صورت گیرد مغایر با بسیاری از موازین بین المللی از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی و میثاقین بین المللی حقوق بشر، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اصول نورنبرگ و کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ می باشند.

حق دفاع مشروع در مفهوم اصلی خود به گونه ای واضح و روشن در ماده ۵۱ منشور ملل متحد پیش بینی شده است بدون این که بتوان این استثناء بر اصل عدم توسل به زور را بر موارد خارج از محدوده ماده ۵۱ قابل تسری دانست. حتی معتقدین به تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور بر این باورند که مفهوم دفاع مشروع حفاظت از حقوق اصلی و ضروری یک کشور در مقابل ضرر های جبران ناپذیر بوده و در شرایطی قابل اعمال است که هیچ گونه وسیله دیگر حمایتی در دسترس نباشد. اما نگاه سایر مراجع از جمله شورای امنیت، دیوان بین المللی و تعداد کثیری از حقوقدانان بین المللی بر جسته دنیا ماده ۵۱ را براساس تفسیر مضیق قابل اعمال دانسته اند و مطابق با آن این ماده را صرفاً در صورت وقوع یک حمله نظامی قابل کار برد دانسته اند.

تفسیر موسع از حق دفاع مشروع می تواند راه را برای برداشت های ناصحیح در اعمال این حق و استفاده از آن در برابر اقدامات تروریستی را منجر شود. به گونه ای که حتی چنانچه دولتی احساس به تهدید اقدام تروریستی از سوی گروه خاصی بنماید با استناد به حق دفاع مشروع، اقدام به مقابله با آن می نماید و این موضوع می تواند راه را جهت اجرای صحیح قانون و استفاده صحیح از حق دفاع مشروع به بن بست بکشاند.

بدینوسیله تنها جامعه جهانی و تابعان مهم آن که دولتها می باشند نه تنها از مبارزه قانونی، صحیح و موثر با تروریسم باز می ماند بلکه شیوه ای ناصحیح و غیرهنگار در مبارزه با تروریسم بوجود می آید که به گونه ای خود پنداری از دفاع مشروع می باشد. به عبارتی هر دولتی از ظن خویش و تفسیری که به مصلحت و منافع ملی او آسیب نرساند و در مسیر آن باشد از دفاع مشروع تفسیر می نماید. و بدیهی است که این تفکر می تواند بسیار خطرناک و مهلک بوده و راه را برای یک جنگ جهانی تمام عیار باز بگذارد.

شاید ایجاد مرجعی خاص در این حوزه که صرفاً انجام اقدامات اطلاعاتی، شناسایی، دستگیری و محاکمه گروههای تروریستی را انجام می رسد می تواند راهگشای موضوع باشد. همانگونه که در ازمنه مختلف جهت دعاوی مختلف همچون یوگسلاوی و رواندا دادگاه های خاص حال شاید به فراخور آن زمان بود، اما صرفاً منحصر به آن موضوع تشکیل شده یا دیوان بین المللی دادگستری یا دیوان کیفری بین المللی که دامنه رسیدگی و صلاحیت آنها را براساس اساسنامه مشخص و تبیین یافته باشد. می تواند اینگونه انگاشت که در صورت ایجاد یک خرد جمعی در جامعه جهانی به دلیل گسترش بی رویه اقدامات تروریستی دولتها و نهاد های بین المللی و NGO ها اقدام به ایجاد یک سازمان یا دادگاه و نهاد خاص در این حوزه نمایند. بدیهی است که شاید در سالهای گذشته دلیلی بر این موضوع وجود نداشت لیکن در حال حاضر ترس و دلهره ای که اقدامات تروریستی خصوصاً توسط گروه داعش (دولت اسامی عراق و شام) امروز در اروپا (اشاره به اقدامات تروریستی فرانسه، اسپانیا،

فنلاند در مرداد ۹۶) به راه انداخته، راه را برای ایجاد اینگونه نهاد فراهم نموده است و همه دولت ها را به طریقی از روش ایجاد قاعده آمره ملزم به پایبندی به آن نمایند.

بنابراین در صورتی که دفاع از خود در قبال اعمال تروریستی مورد پذیرش باشد و عرف بین المللی در این خصوص شکل گرفته باشد تنها شامل اعمالی می گردد که یا اولاً تروریست دولتی بوده و یا ثانیاً اعمال گروههای تروریستی قابلیت انتساب به دولت را دارا باشد. بدیهی است روش های مقابله با سایر انواع تروریسم می بایست در قالب حقوق مسولیت دنبال گردد.

و اصل مطلب در راه ایجاد نهاد خاص در این خصوص نیز همین مطلب است. به عبارتی به روش حقوقی می توان قواعد و مقررات و تعاریف خاص را برای اقدامات تروریستی ارائه نمود و همینطور راه را برای الحاق تعاریف یا پروتکل های دیگر باز گذاشت که در صورت اقدام ضروری این نهاد در مقابله با اقدامات تروریستی دولتهایی که در مقابل اعمال دفاع از خود بر آمده اند می بایست از توسل به زور خودداری می نمایند. چرا که عدم رعایت قواعد حقوق بشر دوستانه (حقوق مخاصمات بین المللی) و مشروع جلوه دادن استفاده از هر نوع خشونت شامل طیف وسیعی از وسایل و ابزار و روشهای جنگی حتی ترور فرامرزی افرادی که تروریست تلقی می شوند یا حتی استفاده از سلاح اتمی می باشد. رویه بسیار خطرناکی در سطح جامعه بین المللی خواهد بود که لزوم پایبندی همه اعضای جامعه ملل برای جلوگیری از استقرار چنین رویه ای را نشان می دهد و با تاکید بر اجرای قواعد حقوق بشر دوستانه و به مجازات رساندن حقوقی متخلفین می توان از قربانی شدن مردم بی دفاع، کودکان، کهنسالان و زنان در صورت وقوع اقدامات تروریستی جلوگیری بعمل آورد.

ذکر این نکته در اعمال حق دفاع مشروع ((شناسایی تروریسم به عنوان حمله مسلحانه)) مهم و تاثیر گذار است به گونه ای قاعدتا دولت قربانی را مجاز می نماید که بر طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد برای دفاع از خود متوسل به نیروی نظامی شوند. و این موضوع در قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بسیار چشمگیر می باشد. چرا که شورای امنیت به عنوان معیار حقوقی در سطح جامعه ملل تاثیرگذار بوده است.

این شورا در پی صدور قطعنامه ۱۳۶۸ ضمن محکوم نمودن اعمال تروریستی در شهرهای آمریکا و اظهار همدردی با قربانیان و باز ماندگان حادثه با تاکید بر تروریستی بودن این حادثه بر شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع یا جمعی مطابق با منشور ملل متحد اشاره داشته است. و نیز قطعنامه ۱۳۷۳ به گونه ای مکمل قطعنامه قبلی بوده و به نوعی احتمالا جامع ترین قطعنامه شورای امنیت در حوزه تروریسم و دفاع مشروع بشمار می آید. در این قطعنامه کلیه اعمال تروریستی از جمله حوادث ۱۱ سپتامبر را تهدید برای صلح و امنیت بین المللی دانسته و بر (حق دفاع مشروع فردی و جمعی) تاکید می ورزند و باید به این باور جامعه جهانی برسد که به واقع دفاع مشروع محافظت از حقوق اصلی و ضروری یک کشور در مقابل ضررهای جبران ناپذیر بوده و زمانی قابل اعمال است که هیچ گونه وسیله حمایتی دیگر در دسترس نباشد.

با این حال طبق نظر شورای امنیت (طبق قطعنامه ۶۶۱ و قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳) و دیوان بین المللی دادگستری (رای سال ۱۹۸۶ در قضیه نیکاراگوئه) حق دفاع مشروع این است که یک کشور قربانی حمله مسلحانه و نظامی باشد. هر چند که شورای امنیت در هیچ یک از قطعنامه های صادره (۸۳۳.۱۰۷۰.۱۱۸۹.۱۳۶۸.۱۳۷۳) بر اساس تفسیر مضیق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل توسل به زور را به عنوان دفاع مشروع مجاز نمی داند. اما نکته اساسی قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ به عنوان یک استثناء یا قطعنامه خاص در این است که شورای امنیت تاکید بر شناسایی حق طبیعی دفاع مشروع فردی یا جمعی مطابق با منشور ملل متحد نموده است. ولیکن به نظر می رسد که شورای امنیت با درج چنین عبارتی در قطعنامه به نوعی حمله مسلحانه و تجاوز نظامی را جهت اعمال حق دفاع مشروع مورد تایید قرار داده است و این موضوع راهگشای بسیاری از حوادث مشابه در ماههای اخیر باشد. چرا که در پی گسترش اقدامات تروریستی به ویژه اقدامات گروه تروریستی داعش، دولتها به دنبال مجوز حقوقی بین المللی جهت اعمال حق دفاع مشروع هستند با هدف مبارزه با این پدیده و دور کردن تهدیدات تروریستی از مرز سرزمینی خود می باشند. موضوعی که امروز صرفاً متخصص خاور میانه و کشورهای مسلمان نبوده و گریبانگیر کشورهای اروپایی همچون فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و دانمارک نیز شده است.

نتیجه :

با تاکید مجدد بر اینکه اقدامات تروریستی با هر هدفی دور از حقوق بشر دوستانه و حقوق اولیه انسانهاست، توسل به دفاع مشروع به ویژه در زمانی که تمامیت ارضی و استقلال یک کشور نادیده گرفته شده و مسببات ایجاد رعب و وحشت میان مردم سزمین هدف را فراهم می نماید، مطابق با ماده ۵۱ منشور بلامانع و مجاز شناخته شده و به این حق رسمیت داده شده است. اما عموماً توسل به دفاع مشروع توسط کشور هدف اقدامات تروریستی با انجام عملیات جنگی همراه خواهد بود که عاملی برای مسولیت بین المللی کشور مورد نظر می باشد. ولیکن دولت مذکور با استناد به اجبار خویش در توسل به دفاع مشروع از مصونیت برخوردار خواهد شد.

مطابق با آنچه ذکر شد اصولاً دفاع مشروع زمانی می تواند سبب مصونیت دولت متوسل باشد که حملات تروریستی در حکم حملات مسلحانه قرار گیرد. که بدیهی است حملات مسلحانه با اقدامات جنایی همراه خواهد بود. البته همواره اینگونه نبوده که اقدامات تروریستی با اقدامات جنایی همراه باشد تا مجوزی برای توسل به دفاع مشروع باشد. وجود سوابقی همچون ائتلاف عربی به رهبری عربستان علیه یمن و گروه حوثی ها گواه این ادعاست که البته مورد تایید شورای امنیت سازمان ملل نیز قرار گرفت و این فرضیه را اثبات نمود که نیاز به تحقق حملات مسلحانه و نیز اقدامات جنایی برای استناد به حق دفاع مشروع نیست بلکه حتی وجود نگرانی در این خصوص مبنی بر احتمال تحقق اقدامات تروریستی و جنایی توسط گروههای تروریستی به دولت متوسل این حق را می دهد جهت پیشگیری از هرگونه اقدام تروریستی اقدام به حملات مسلحانه با توسل به دفاع مشروع نماید.

چرا که در تعریف به عمل آمده مشخص گردیده که هدف از انجام اقدامات تروریستی و اعمال خشونت غیرمشروع با انگیزه سیاسی همراه با یک طرح قبلی به قصد ایجاد رعب و وحشت برای کسب امتیاز خاص یا جلب توجه افکار عمومی به خواسته های خویش است.

منابع:

- ۱- آزمایش، سید علی (۱۳۸۰)، نگرشی نو به مفهوم تروریسم بین المللی، مجله پژوهش حقوق و سیاست (علمی پژوهشی)، سال سوم، شماره چهارم
- ۲- پورباقرانی، حسن (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی تجاوز از حدود دفاع مشروع، فصلنامه پژوهشنامه حقوقی دانشگاه رشت، دوره ۵، شماره ۲
- ۳- جلالی، محمود، رئیسی، لیلیا، حبیبی مجنده، محمد، زبیب، رضا (۱۳۹۴)، تحول رویکرد به تروریسم در اسناد بین المللی، خلاء های حقوقی و پیامدها، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز، دوره ۶، شماره ۱۱
- ۴- خبیری، کایک و دربندی، مارال (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل و مسئله تروریسم، فصلنامه روابط بین الملل، مقاله ۶، دوره ۴، شماره ۱۷۸، ۱۷۰-۱۵۱
- ۵- راعی، مسعود (۱۳۹۳)، مسئولیت بین المللی دولت در قبال رفتار افراد و گروهها در پرتو رویه قضایی، انتشار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم
- ۶- شریفی، محسن (۱۳۹۶)، تروریسم بین المللی و دفاع مشروع، انتشارات مجله سیاست خارجی (پایگاه مجلات تخصصی نور)، ۱۷
- ۷- شریفی طراز کوهی، حسین، چهاربخش، ویکتوریا بارین (۱۳۹۲)، دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی (دانشگاه علامه طباطبائی)، دوره ۱۵، شماره ۲۳۶
- ۸- ظریف، محمد جواد و آهنی امینه محمد (۱۳۹۴)، دفاع مشروع پیشدستانه و مشروعیت کاربرد زور در روابط بین الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد، نشریه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۴، شماره ۱۴
- ۹- فراتی، مسعود (۱۳۹۱)، مقاله تلخیص، ماده ۱ تا ۵ مسئولیت بین الملل دولت، مجله حقوقی مرجع دانش، سال سوم
- ۱۰- قادری کنگاوری، روح اله (۱۳۹۴)، حق دفاع مشروع در چارچوب مبارزه با تروریسم، مجله حقوقی مرجع دانش، سال سوم
- ۱۱- کرم زاده، سیامک (۱۳۸۲)، تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین الملل، نشریه پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱
- ۱۲- ممتاز، جمشید (۱۳۸۷)، حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر دوستانه، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- ۱۳- موسوی، سید فضل اله و حاتمی، محمد (۱۳۸۵)، دفاع مشروع پیش دستانه در حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۲، شماره ۷۲
- ۱۴- موسوی زاده، محمد (۱۳۹۱)، بررسی و نقد هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی (دانشگاه علامه طباطبائی)، سال چهاردهم، شماره ۷۶
- ۱۵- نائینی، منوچهر و محسن پور، سمیرا (۱۳۹۳)، بررسی سیر تحول به زور علیه تروریسم بین المللی از دیدگاه حقوق بین الملل و رویه قضایی بین المللی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۳
- ۱۶- نیاورانی، صابر (۱۳۹۴)، توسل به دفاع مشروع در برابر اقدامات تروریستی، مساله قابلیت انتساب، فصلنامه تحقیقاتی حقوقی (علمی پژوهشی)، دانشگاه شهید بهشتی، ویژه نامه ۲، شماره ۱
- ۱۷- جایگاه موازین بین المللی حقوق بشر در مبارزه علیه تروریسم، سید قاسم زمانی، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۸

منابع انگلیسی:

- 1- Wiliamson .m (2016) , “Terrorism ,War and International Law: The legality of the Use Force Against Afghanistan in 2001” ,The Ashgate International Law Series
- 2- steven R .Ranter , (2014), “Self-Defense against Terrorists: The Meaning of Armed Attack 12-Jul 2012” ,SSRN.COM-Je Dehn .
- 3- steven R .Ranter , (2014), “Self-Defense against Terrorists: The Meaning of Armed Attack 12-Jul 2012” ,SSRN.COM-Je Dehn .
- 4-Toop. J Stephen (2017), “Self-defense Against Non-State Actores” , papers.www.ssrn.com
- 5-Rob.w, (2016) , “The United States of Exception: Crimes of The state and the War on Terror ,2014-2015,state of Violence and the civilizing process (pp221-276),Http://.link.springer.com

Abstract:

The concept of legal defense in international law is as the same as the legal defense of domestic law, which, in the absence of opportunities for resorting to law, empowers the victim of aggression to urgently defend and repress suppressors by force.

In internal law, legal defense is exceptional in the rule. However, in international law, due to the lack of a transnational power and a supranational executive, defense is the beginning of a rule that is itself an exception to the rule Prohibition of resorting to force and the boycott of war.

Although, the crucial issue is the manner of resort to legal costs for the victim's government, and in fact the conditions for referring to this international right are essential.

Keywords: legal defense, terrorist acts, resorting to force, international law, intention for intimidate